

به یاد شادروان استاد دکتر کسائی

رفتی و همچنان به خیال من اندری
گویی که در برابر چشمم مصوری

هنگامی که در نیمروز شنبه ۲۸ آبان ماه امسال، پدر فرهیخته و فرزانه‌ام در برابر دیدگانم جان به جان آفرین سپرد، دریافتم که بهترین یاور و پشتیبان و استاد زندگیم را نابهنگام از دست داده‌ام. رفتنش برای من و همه بازماندگان سنگین و ناباورانه بود و همچنان به دشواری می‌توانم آن را باور کنم. وی به حرفه‌اش که تدریس و تحقیق و مطالعه و تألیف بود از صمیم دل عشق می‌ورزید، پس شگفت نبود که هم در حال مطالعه و تألیف دعوت حق را لبیک گفت.

سردبیر محترم مقالات و بررسیها از من خواستند تا چیزی در سوگ آن فقید برای آن نشریه بنویسم و من شایسته آن دیدم که شرح حال او را که خود به قلم شیوا و استوارش نوشته و از خویش بر جای نهاده، برای نشر در آن مجله تقدیم کنم. بی تردید انتشار این خود نگاشته، از جهات گوناگون، برای خوانندگان از هر نوشته‌ای مفیدتر و جذاب‌تر خواهد بود.

کامران کسائی *

۱- شرح حال و مشخصات عمومی

۱-۱-۱ - نورالله کسائی

۱-۲-۱ - تولد ۱۳۱۸ شهرضا

۲-۲-۱ - دوران کودکی من با رویدادهای شهریور ۱۳۲۰، جنگ بین‌المللی دوم و

*. فرزند برومند و شایسته شادروان استاد کسائی، دانشجوی دکتری دانشگاه تهران در رشته ادبیات فارسی، که علاوه بر تحصیل، در چند دانشکده و مؤسسه آموزشی و پژوهشی به تدریس ادبیات فارسی و تحقیق و تألیف اشتغال دارند.

اشغال ایران از سوی نیروهای متفقین (انگلیس، امریکا، اتحاد جماهیر شوروی) تقارن داشت. زادگاه من شهرضا از شهرستانهای استان دهم (اصفهان) در مسیر راه شوسه تهران شیراز قرار داشت. رفت و آمد نیروهای اشغالگر، جنگ سمیرم (از بخش‌های تابعه آنروز شهرضا) و درگیری نیروهای عشایری قشقایی و بویر احمدی متحد آنان با نیروهای دولتی و بمب باران‌های هوایی که نخستین دیدار من از هواپیما در آسمان منظره‌ای تماشایی و در عین حال ترسناک را در خاطره من به یادگار می‌نهاد از یاد مانده‌های آن دوره ناامنی‌ها است.

من در خاندانی زاده شدم که از سوی پدر سیادت و از سوی مادر روحانیت را به ارث می‌بردم. نیاکان پدری من از فرزندان حاج میرزا زکی بحرینی از روزگار صفویه در حوزه قمشه (شهرضا کنونی) ریاست سادات را که در آن روزگار پایگاهی بزرگ می‌نمود بر عهده داشتند و به «رئیس السادات» ملقب بودند. در روزگار قاجاران و با ارادت‌ی که شاهان این سلسله در حق سادات و خاندان رسالت و امامت داشتند، خاندان ما در خطه اصفهان عموماً و قمشه خصوصاً از اعتبار معنوی خاصی برخوردار بودند. پدر بزرگ مادری من مرحوم آقا شیخ مرتضی قمشه‌ای (متوفی ۱۳۰۱ش) از حکیمان و فقیهان برجسته اواخر عصر قاجار و شاگردان بواسطه حکیم شهیر آقا محمد رضا قمشه‌ای در محضر فیلسوف معروف جهانگیر خان قشقایی و آقا میرزا نصرالله حکیم قمشه‌ای بود که در قمشه و اصفهان مجلس درس و بحث داشت و مشرب او بیشتر عرفانی و فلسفی بود. پدرم (مرحوم حاج سید اسدالله کسائی) با اینکه در تغییرات متحدالشکلی آغاز دوره رضا شاهی از کسوت روحانی در آمده و بهره چندانی از سواد نداشت با امرار معاش از طریق کشاورزی در املاک موروثی و دامداری و گاهگاه بازرگانی و تجارت محدود از زندگی بالنسبه مرفه و مقبولیت ممتاز اجتماعی برخوردار بود.

۱-۲-۳ - نخستین مراحل آموزشی من از دبستان شروع شد. با تغییر برنامه‌های آموزشی در عصر پهلوی اول دوره ابتدایی در دبستان دوره متوسطه در دبیرستان، دوره عالی در دانشگاه دنبال می‌شد. با اینکه تعدادی از مکتب خانه‌ها و مدارس قدیم شیوه‌های آموزش سنتی را دنبال می‌کردند. فراگیری قرآن و حساب سنتی (سیاق) و تعلیم خط که بیشتر در مکتب خانه‌های قدیم صورت می‌گرفت از تحصیلات فوق برنامه

من در این نهادها بودم. در آن زمان من به عنوان دانش آموز ابتدایی چون دیگر دانش آموزان دبستانی ملزم به استفاده از لباس و پوشش یکنواخت مخصوص به دانش آموزان بودم و در قبال بی نظمی های مکتب خانه های عمومی که با شهریه خصوصی اداره می شد و چوب و فلک از لوازم ضروری آن بود دبستان با بهره گیری از شیوه های نوین آموزشی از روش های علمی و تنوع رشته های درسی (چون ورزش، نقاشی، کاردستی، موسیقی و...) نماینده فرهنگ پیشرفته زمان خود بود.

مدارس جدید که از سال ۱۳۱۵ ق در روزگار مظفرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳ - ۱۳۲۴ق) با تأسیس انجمن معارف در تهران و بنیاد مدارس که مرحوم میرزا حسن رشدیه مبتکر آن بود (= رشدیه) به تدریج پس از انقلاب مشروطیت (= ۱۳۲۴ق) آهنگ رشد کرد و در سراسر ایران در مراکز استان ها و شهرستان نمونه هایی از آن در مقابل نهادهای آموزشی سنتی تأسیس شد و از ۱۳۰۰ خورشیدی به صورت فراگیر درآمد. با اینهمه نظر به اینکه آموزگاران این دبستان ها به سبب محدود بودن دامنه دانشرهای مقدماتی (مخصوص تربیت آموزگار) از شیوه های نوین آموزشی بهره چندانی نداشتند هنوز کاستی ها در این نهادهای آموزشی به چشم می خورد.

۱-۲-۴ - زندگی ساده و بی پیرایه در سایه پدر و مادری مهربان و روزی روا و مشروعی که از طریق کشاورزی و دامداری میرسید. برکت زیستن در خانه ای باغ گونه و بزرگ با میوه های انار و انگور و انواع سر درختی ها هوای پاک و چشم انداز زیبا، بازهای های پسین گاه در بازگشت از مدرسه از جمله خاطراتی است که هنوز اوقات بازنگری به آنها را خوش می دارم.

۱-۳- دوران تحصیل و حرفه آموزی

۱-۳-۱ - تحصیلات ابتدایی من از سال ۱۳۲۴ در ۶ سالگی آغاز شد. از برنامه های درسی و شیوه های آموزشی پیش از این سخن گفتم. وضع تحصیلی من مطلوب و در حد ممتاز بود. خاصه اینکه با توجه و سفارش پدرم برادر ۵ سال بزرگتر از من که در آغاز ورود به دبستان دوره تحصیلات ابتدایی را پشت سر می گذاشت و در دوره اول و دوم متوسطه از دانش آموزان برجسته زمان خود بود، همواره به کار درس و بحث من نظارت

ورسیدگی داشت.

۱-۳-۲ - بزرگترین خاطره، جابجایی از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر بود که با خانه ما فاصله کمتر داشت و من در این دبستان جدید التاسیس مجال مناسب‌تری برای بروز استعداد و شخصیت ذاتی خود یافتم. مدرسه‌ای که چهارساله اول ابتدایی را در آن گذرانیدم، دبستان حکیم صهبا نام داشت، این حکیم صهبا در انتساب به آقا محمد رضا (به لهجه قمشه‌ای آمرضا) نامگذاری شده بود که شعر نیکو می‌سرود و صهبا تخلص داشته است. و من پیش از این یاد خیری از این حکیم جامع الاطراف داشتم. مدرسه جدید که سال ۵ و ۶ ابتدایی را در آن گذرانیدم دبستان حکیم اسدالله، نام داشت. این حکیم اسدالله، همان شیخ اسدالله قمشه‌ای یکی دیگر از فلاسفه و بزرگان علمی شهر ما بود که در جوانی در قمشه و اصفهان تعلم و تعلیم داشت و بسیار زود هنگام درگذشت.

۱-۳-۳ - تنها شخصیت اثرگذار در زندگی من در این مرحله سنی همان پدرم بود که صداقت، راستی، نیک‌اندیشی و کسب روزی از راه حلال و نیز خدمت به خلق را از او آموختم.

۱-۳-۴ - تحصیلات ابتدایی و دوره اول متوسطه من در زادگاهم شهرضا بود، گفتنی است که نام قبلی آن قمشه بود که در سال ۱۳۰۵ خورشیدی به دستور دولت وقت به شهرضا تغییر یافت. این سال‌ها همه به تحصیل سپری گشت. و در آن زمان در سه‌ماهه تعطیلات تابستانی مثل آنچه امروز معمول است. سرگرمی‌های فوق برنامه‌ای برای دانش‌آموزان تدارک نمی‌دیدند. سرگرمی من رفتن به باغ و مزرعه‌ای بود که در نزدیکی خانه ما بود و من بالطبع بر اساس علاقه‌ای که به کار کشاورزی داشتم در کاشت، نگهداشت و برداشت محصول به پدر و دو سه کشاورزی که در اختیار داشتیم در حدّ توان مشارکت می‌کردم و نکته‌ها فرا می‌گرفتم.

۱-۳-۵ - غیر از آنچه یادآور شدم ورزش از دیگر سرگرمی‌های من بود، برخورداری از زندگی در خانه‌ای وسیع که مجال جست و خیز داشت و نیز تغذیه سالم از برکت وجود گاو و گوسفند که همواره تازه‌ترین لبنیات را در اختیار داشتیم مرا از چنان نیروی جسمی و روحی و اندامی قوی و نیرومند برخوردار ساخته بود که غالباً در ورزش‌های دوو میدانی خصوصاً پرش و نیز بسکتبال (که هنوز کارت سرپرستی تیم خود

را به یادگار نگهداشته‌ام) از جمله سرگرمی‌های من در کنار تحصیل بود.
۱-۳-۶ - هم دوره‌ای‌های من بیشتر پس از تحصیلات متوسطه جذب بازار کار یا استخدام در آموزش و پرورش شدند و اندکی از آنان به تحصیلات عالی راه یافتند که به دبیری، مهندسی، پزشکی پرداختند.

۱-۴ - دوران میانسانی

۱-۴-۱ - در سال ۱۳۴۹ در ۳۱ سالگی با دختری به نام هما قاهری ازدواج کردم. او که برخاسته از خاندانی کهن و نژاده در زادگاهم شهرضا بود بسبب مشاغل اداری پدرش دوران پیش از ازدواج را در شهرهای اصفهان و شیراز و تهران گذرانیده بود. پس از ازدواج ۲۰ سالی را به آموزگاری در تهران گذرانید و بازنشسته شد محصول این زندگی زناشویی دو فرزند پسر و دختر است. پسرم کامران کسایی متولد ۱۳۵۰ ش پس از رویکرد موفقیت آمیزی که به رشته‌های ادبی یافت، اکنون در حال گذرانیدن پایان‌نامه خود در دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران است که همزمان علاوه بر تدریس در چندین مرکز دانشگاهی به کار ترجمه در زبان انگلیسی و فرانسه، نیز تألیف مقالات تحقیقی اشتغال دارد. کامران که نخستین سال زندگی زناشویی خود را می‌گذراند اکنون جدای از ما و مستقل روزگار می‌گذراند.

دخترم پرنیان کسایی متولد ۱۳۵۶ ش فارغ التحصیل سال ۱۳۷۸ کارشناسی در رشته مهندسی پزشکی است که با تسلط بر زبان انگلیسی و کامپیوتر در سازمان پژوهش‌های علمی صنعتی به تحقیق در رشته خود اشتغال دارد. این دو فرزند من که نمونه‌های بارز اصالت و نجابت، آزادگی و راستی و درستی در وجودشان آشکار است عالی‌ترین هدیه‌ای است که خدای بزرگ در قبال بیش از چهل سال خدمات صادقانه آموزشی و پژوهشی و پرورش شاگردانی کارآمد به من ارزانی داشته و من همواره این نعمت خداداد را سپاسدار و شکرگزارم.

۱-۴-۲ - خدمات این دوره از زندگی من با آموزگاری، دبیری، تصدی اداره بخشی از آموزش و پرورش، استادیاری، معاونت دانشجویی، آغاز شده و تا ارتقاء به مرتبه استادی و مدیریت گروه آموزشی تاریخ و تمدن ملل اسلامی در دانشگاه تهران،

دانشکده الهیات و معارف اسلامی استمرار دارد.

۱-۴-۳ - تدریس یکی دو جلسه در چهار روز هفته در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری، که رسیدگی به راهنمایی پایان‌نامه‌های تحصیلی در همین مقطع، تألیف مقالات تحقیقی و یا ترجمه در رشته تخصصی (فرهنگ و تمدن) و گاه نوشتن مقالاتی انتقادی که در مجلات یا روزنامه‌های کثیرالتشعار درج می‌شود. پایان هفته را معمولاً به تفریح و غالباً در بیرون از شهر به کوه‌نوردی می‌پردازم.

۱-۴-۴ - یکبار تصادف در سفر زمینی، مدتی ابتلا به بیماری دیسک کمر، یکبار به آستانه مرگ رفتن در اثر حساسیت به یکنوع آمپول، و بیم و امیدها که در هنگامه انقلاب سال ۱۳۵۷ بر من وارد شد و نیز ازدواج و خاطرات شیرین پدر شدن از مهمترین رویدادهای زندگی من در این دوره بوده است.

۲- استادان

۲-۱ آموزگاران، دبیران دبیرستان من در این دوره و در اوضاع و احوال مکانی که در آن زیسته و رشد یافته‌ام به سبب عدم برخورداری از تخصص و معلومات لازم در رشته خود چندان در خور اعتنا نبوده‌اند.

۲-۲ استادان و مربیان دوران جوانی

۲-۲-۱ - استاد مرحوم سید احمد خراسانی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، استاد دکتر محمد محمدی ملایری، استادان مرحوم بدیع الزمانی کردستانی (عبدالحمید) و دکتر امیر حسن یزدگردی، بر من حق حیات داشته و به عنوان پدری روحانی همواره خدمات انسانی، علمی و معنوی آنان را ارج می‌نهم.

خاصه روانشاد استاد عبدالحمید بدیع الزمانی کردستانی که آیتی بود کم نظیر در هوش و نبوغ و آزادگی و پارسایی و وارستگی و صداقت در گفتار و کردار که گذشته از دانشکده تا زنده بود بیشتر اوقات را معتکف آستانش بودم.

و آقای دکتر محمد محمدی ملایری که روزگارش مستدام باد، فرزانه استادی که در فکر، بکر و ایجاد انگیزه و شیوه‌های دقیق تدریس و تحقیق و جدی گرفتن مسؤلیت و نگاهداشت سهم بزرگ ایران در فرهنگ و تمدن جهان و دنیای اسلام همواره اسوه‌ای

تمام نما از استادی اثر گذار در زندگی علمی و آموزشی من به یادگار مانده است. استادان روانشاد، بدیع الزمان فروزانفر، جلال‌الدین همایی و دکتر مهدی حائری یزدی از دیگر فرزانه‌گانی بوده‌اند که از زندگی علمی و آموزشی و آثار گراندیشان در حدّ توان بهره‌ها برده‌ام. از دیگر مریبان و استادان که مشمول تربیت و عنایت آنان بوده‌ام به اجتناب از اطاله کلام در می‌گذرم اجرشان با خدای منان باد.

۳- فعالیت‌های آموزشی، خلق آثار و تألیفات

۳-۱- فعالیت‌های آموزشی

۳-۱-۱- تدریس در حوزه آموزش و پرورش شهرضا و تهران از ۱۳۳۷ تا ۱۳۵۳. انتقال به دانشگاه تهران به عنوان استادیار و تدریس در تاریخ زبان و ادبیات عربی، تاریخ اسلام، فرهنگ و تمدن ایران و اسلام، تاریخ نهادهای علمی و آموزشی ایران و اسلام، در مراتب دانشیاری و استادی، همکاری آموزشی و تدریس در مقاطع کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های شهید بهشتی، تربیت مدرس، الزهراء و دانشگاه اصفهان و...

۳-۲- خلق آثار

۳-۲-۱- بیشترین آثار تألیفی اینجانب در کتاب یا مقاله، پیرامون تاریخ آموزش و پرورش و نهادهای علمی و آموزشی، فرهنگ و تمدن ایران و اسلام، جغرافیای تاریخی و زندگی‌نامه و نقد و احوال و آثار رجال علمی است.

در مسائل مربوط به آموزش پرورش تحقیقات در پیشینه آموزش عالی در مراکز آموزش و علمی از ایران پیش از اسلام و ایران و اسلام از روزگاران گذشته تا امروز را شامل می‌شود.

۳-۲-۲- اظهار نظرها در مورد تألیفات و ترجمه‌های اینجانب بسیار و نوعاً مثبت و ناشی از تأیید است. شماری از این آثار که در ذیل به آنها اشاره خواهد شد از جمله منابع اصیل و دست اول و منابع اصلی تدریس در رشته‌های تخصصی می‌باشد. این آثار که غالباً از سوی مؤسسات معتبر انتشاراتی به چاپ رسید تاکنون چندین نوبت انتشار یافته است.

۳-۳ - تألیفات

۳-۳-۱ - مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن: که از ۱۳۵۸ تا کنون چندین بار از سوی انتشارات دانشگاه تهران و امیرکبیر تجدید چاپ شده است. این کتاب نقل و نقدی است از تاریخ تأسیس و فعالیتهای علمی آموزشی مدارس نظامیه و شیوه‌های رایج در آن، گرایش‌های سیاسی عقیدتی بانی آن خواجه نظام الملک طوسی (د ۴۸۵ق) وزیر با اقتدار عصر سلجوقی و نیز روند فکری و رشد و رکود دانش‌ها و نیز مجادلات مذهبی و فرقه‌ای در عصر سلجوقیان و از آنجا که تأسیس مدارس نظامیه برای نخستین بار نه تنها در ایران و شرق اسلامی از سوی دولت آنهم به صورتی فراگیر در قلمرو وسیع سلجوقیان در انحصار و اختصاص به شافعی مذهبان تأسیس گردیده، در تاریخ آموزش و پرورش جهان و خصوصاً ایران جایگاهی ویژه و بیمانند داشته و اینهمه از انگیزه‌های مؤلف در تألیف این کتاب بوده است. اثرات سوء ناشی از تعصبات و یکسو نگری مذهبی بانی و واقف این مدارس در روزگار ما که تکراری است از آن رویدادهای تلخ می‌تواند مطالعه آن هشیاری باشد برای آنان که تاریخ را درس عبرتی برای حال و آینده می‌دانند. کتاب مدارس نظامیه با توجه به اینکه تنها کتاب تخصصی در این زمینه است، در خارج از ایران جایگاه خاصی یافته و به بیشتر زبان‌ها ترجمه شده است.

کارنامه دانشکده الهیات و معارف اسلامی: دانشگاه تهران (۱۳۵۷ش)؛ سرگذشتی است از تأسیس این دانشکده در سال ۱۳۱۳ به عنوان یکی از ۶ دانشکده دانشگاه تهران در بدو تأسیس همزمان با کارنامه علمی و روند آموزش و شخصیت‌های بزرگ علمی که در شمار استادان و دانش‌آموختگان آن بوده‌اند.

تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی: این کتاب که از کتابهای اصلی درسی در تاریخ آموزش و پرورش می‌باشد گرچه ترجمه‌ای است از زبان عربی، اما گذشته از محتوای غنی علمی آن، مقدمه و توضیحات مترجم در آغاز و انجام کتاب خود در حد کتابی است که کاستی‌ها مولف را در تاریخ آموزش و پرورش ایران و سرزمینهای شرقی اسلام جبران می‌کند. این کتاب نیز از سالی که ترجمه شده تا کنون چندین بار از سوی انتشارات دانشگاه تهران تجدید چاپ شده است.

تاریخ بیمارستانها در اسلام: در سال ۱۳۷۱ که به مناسبت برپایی کنگره تاریخ طب و یازدهمین سده در گذشت محمد بن زکریای رازی پزشک نامور ایرانی ترجمه شده با مقدمه و توضیحات مترجم اطلاعات مفید و ارزنده‌ای از شیوه‌های رایج درمانی پزشکان و اداره بیمارستان‌ها و نیز اخلاق پزشکی در دوره متمدنی از گذشته تاریخ را به خوانندگان عرضه می‌دارد. انگیزه ترجمه این کتاب آشنا ساختن پزشکان و دانشجویان رشته پزشکی با مرکز طبی گندیشاپور، کهن‌ترین دانشگاه جهان در خوزستان ایران است که در روزگار ساسانیان تأسیس شده و در دوره اسلامی در انتقال پیشرفته‌ترین شیوه‌های درمانی و دانش پزشکی به فرهنگ و تمدن اسلامی منشأ خدمات گرانقدری گردیده است.

نقد و نظری بر آموزش‌ها و نهادهای آموزشی ایران از آغاز دوره اسلامی تاکنون: این کتاب گزارشی است نقد گونه از سرگذشت آموزش و پرورش و جریانات سیاسی و فکری اثرگذار بر روند علمی جامعه ایرانی که برای بخش بررسی موانع توسعه در ایران وابسته به سازمان برنامه و بودجه تألیف گردیده و در آن از چگونگی موانع آموزشی سخن رفته است.

ذکر اخبار اصفهان: از حافظ ابونعیم اصفهانی از بزرگان علمی روزگار آل بویه در اصفهان (۳۳۶-۴۳۰ق). کتابی است کهن در دو مجلد در جغرافیای تاریخی و فضایل اصفهان و رجال حدیثی که از این شهر برخاسته یا در آن فعالیت علمی داشته‌اند. ترجمه این کتاب با مقدمه‌ای مفصل درباره اصفهان روزگار آل بویه در سال ۱۳۷۷ توسط انتشارات سروش چاپ و منتشر شده است. کتاب با توجه به گزارش‌های مربوط به اصفهان در روزگار باستان و نیز دوره اسلامی از جمله منابع کهن و معتبری است که نخستین بار از سوی یکی از شرق شناسان، به نام «سونن دِ درینگ» تصحیح و منتشر شده بود.

منتخب النصوص التاريخية والجغرافية: این کتاب برای درس متون جغرافیایی و تاریخی به زبان عربی به سفارش انتشارات سمت (مرکز انتشار کتب دانشگاهی در رشته‌های علوم انسانی) به صورت گردآوری، تألیف و توضیح تهیه و در سال ۱۳۷۷ انتشار یافته است.

مدخلی بر تاریخ آموزش و پرورش ایران از آغاز دوره اسلامی تا تأسیس دارالفنون: مجلد اول از ۵ مجلد فرهنگ نهادهای علمی آموزشی ایران است که به عنوان طرحی تحقیقاتی در معاونت پژوهشی دانشگاه تهران به تصویب رسیده و مراحل اجرایی و تألیف آن که به حدود یکهزار صفحه بالغ می‌گردد حدود هشتاد در صد تهیه و تایپ و برای چاپ آماده گردیده. این طرح ۵ مجلدی بخصوص مجلد اول (در دست چاپ) مهمترین اثر علمی و تحقیقاتی است که اولین بار در ایران با این عنوان انتشار می‌یابد.

تألیف حدود دویست مقاله تحقیقی در زمینه‌های تاریخ اسلام و ایران، تاریخ آموزش و پرورش در ایران و اسلام، فرهنگ و تمدن ایران در اسلام، جغرافیای تاریخی و مقالات انتقادی در مسائل آموزشی، دانشگاهی، سیاسی، اجتماعی که در مجلات معتبر علمی دانشگاهی و روزنامه‌های کثیرالانتشار درج شده است.

۳-۳-۳ - نظر به استقبال جامعه علمی و دانشگاهی از این آثار که بارها در نشریات کتابشناسی و ستون‌های نقد و نظر در مجلات علمی به چاپ رسیده، از آنجا که به نگارنده این زندگینامه مربوط می‌شود از پرداختن به آن در می‌گذرم.

۴- شاگردان

۴-۱ - نگارنده با توجه به پیشینه بیش از چهار دهه آموزش و پژوهش مفتخر است که در خدمت به جامعه مسؤلیت خطیر تعلیم هزاران دانش‌آموز و دانشجویی را بر عهده داشته که بسیاری از آنان هم اکنون بیشتر در سراسر ایران بزرگ و شماری از آنان در بیرون از ایران مصدر خدمات و منشأ آثار ارزنده در رشته‌های مختلف علمی می‌باشند و با توجه به کثرت آنان از ذکر نام و نشان‌شان خودداری می‌کنم.

۵- آراء و عقاید

۵-۱ - در زمینه‌های علمی و ادبی نگرش و گرایش من به پیشینه پرافتخار ایران است و ایرانیان که در دوره‌هایی از تاریخ پیش از اسلام و در دوره اسلامی آنگاه که سررشته کار در دست فرمانروایان و وزیران فرزانه ایرانی بوده و خردگرایان به سرنوشت مردم دخالت داشته‌اند فرهنگ و تمدن را مجالی برای شکوفایی و رشد و بالندگی بوده است.

۵-۲- این رویه که در شیوه‌های آموزشی و نیز آثار تحقیقی من نمودار بوده و هست، زمینه‌های مناسبی در بین شاگردانم به وجود آورده است.

عرضه آثار

۷- تصاویر

چند نمونه در صورت امکان تقدیم خواهد شد.

گزارش فهرست وار فعالیت‌های علمی پژوهشی

الف. تألیف:

- ۱- کارنامه دانشکده الهیات و معارف اسلامی. انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۷ش در ۳۹۳ صفحه.
- ۲- مدارس نظامیه و تاثیرات علمی و اجتماعی آن انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۸ش، انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۳ و ۱۳۷۴ش در ۳۶۸ صفحه.
- ۳- نقد و نظری بر تاریخ آموزش و پرورش ایران، سازمان برنامه و بودجه، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه ۱۳۷۲ش، در ۱۷۴ صفحه.
- ۴- منتخب النصوص التاريخية والجغرافية، انتشارات سمت ۱۳۷۷ش در ۲۳۰ صفحه.

ب. ترجمه:

- ۱- تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، انتشارات یزدان ۱۳۶۴ش، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۲ و ۱۳۷۷ش در ۳۷۰ صفحه (۶۲ صفحه مقدمه و توضیحات مترجم) مؤلف استاد عبدالرحیم غنیمه مغربی
- ۲- تاریخ بیمارستانها در اسلام، مؤسسه توسعه دانش و پژوهش در ایران، چاپخانه شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱ش، کنگره بین‌المللی تاریخ پزشکی در اسلام و ایران، به مناسبت آغاز دوازدهمین قرن وفات محمدبن زکریای رازی در ۲۳۰ صفحه (مقدمه و توضیحات مترجم، ۱۹ صفحه) مؤلف دکتر احمد عیسی بک مصری.
- ۳- ذکر اخبار اصفهان، انتشارات سروش، ۱۳۷۷ش، دو مجلد در یک مجموعه در

۸۳۶ صفحه ۲۸ سطری (مقدمه مترجم، ۱۱۰ صفحه) مؤلف حافظ ابونعیم اصفهانی.

ج. طرح تحقیقی:

طرح تألیف فرهنگ مراکز علمی، آموزشی ایران (مجلد اول: مدخلی بر تاریخ

۱۳۳

آموزش و پرورش ایران از آغاز دوره اسلامی تأسیس دارالفنون)، محل اجرای طرح، معاونت پژوهشی دانشگاه تهران، تایپ و تدوین شده است.

حدود ۹۰۰ صفحه در دست تألیف برای تحویل تا پایان اسفند ۱۳۷۹ حدود ۱۱۰۰ صفحه.

د. مقالات:

۱- تحقیق در زندگی علمی و نقد آثار مرزوقی اصفهانی، مقالات و بررسیها، نشریه گروه تحقیقاتی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران. دفتر ۳۲ - ۳۳ سال ۱۳۵۸ش، ص ۱۶۹-۱۸۶.

۲- مدرس مرد دین و سیاست، انتشارات وزارت آموزش و پرورش، مندرج در کتب فارسی سال چهارم دبیرستان از سال ۱۳۵۸ش به بعد.

۳- بررسی در زندگی، تحصیلات، خدمات دیوانی عبدالحمید کاتب و نقد نامه‌های بازمانده از او در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۱۰۱-۱۰۴ سال ۲۵، پائیز ۱۳۶۲، تحت عنوان به یاد خوزستان، ص ۱۲۵-۱۵۲.

۴- تحقیق در منابع علوم بلاغت، مقالات و بررسیها دفتر ۴۱-۴۲ سال ۱۳۶۵ ص ۱۱۵-۱۴۲.

۵- نخستین خطبه فتح قدس در حضور صلاح الدین ایوبی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۱۰۵-۱۰۸ سال ۲۵، پائیز ۱۳۶۷ ص ۶۲-۸۴.

۶- از نظامیه تامستصریه، مقالات و بررسیها دفتر ۴۷-۴۸ سال ۱۳۶۸ ص ۹۵-۱۱۹.

۷- آداب و آموزش پزشکی در ایران اسلامی، مقالات و بررسیها، دفتر ۴۹-۵۰ سال ۱۳۶۹-۹۵-۱۱۸.

۸- عوامل پیشرفت و انحطاط علوم پزشکی در جوامع اسلامی، مجموعه مقالات

- سمینار دیدگاه‌های اسلامی در پزشکی، فروردین ۱۳۷۱ ص ۲۷۷-۲۸۹.
- ۹- امنیت فکری و استقلال مالی، دو عامل مؤثر در پیشرفت و گسترش دانش‌ها، فصلنامه سیاست علمی پژوهشی، سال اول، پائیز و زمستان سال ۱۳۷۰ ص ۴۷-۵۴.
- ۱۰- نقد و نظری بر آموزش‌های معاصر، روزنامه اطلاعات شهریور ۱۳۷۲ در سه شماره مسلسل.
- ۱۱- سهم دیرینه مرو در شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی، کیهان فرهنگی سال نهم، دیماه ۱۳۷۱ ش ۹۲ ص ۳۹-۴۲ و تکرار چاپ در چندین روزنامه عصر تهران.
- ۱۲- سده سوم هجری آغاز رشد و بالندگی علوم و فنون در جهان اسلام، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی پیشبرد علم و تکنولوژی در جهان اسلام اردیبهشت ۱۳۷۲، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۱۹-۱۲۲ (خلاصه مقاله کتاب ماه (تحت عنوان اسلام و بالندگی فرهنگ و تمدن) کتاب ماه، ویژه‌نامه ۲۵ اسفند ۱۳۷۷. گفتگوی تمدن‌ها ص ۱۴-۱۶ و چندین روزنامه عصر تهران و کیهان فرهنگی اسفند ۷۲ ص ۲۳-۲۶.
- ۱۳- عوامل مؤثر در سراسیابی فرهنگ و تمدن اسلامی، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی فرهنگ و تمدن اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی مهر ۱۳۷۲، ص ۴۳-۵۳ و چندین روزنامه عصر تهران و کیهان فرهنگی و...
- ۱۴- عضدالدوله دیلمی و بیمارستان عضدی بغداد، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی تاریخ پزشکی در ایران و اسلام، جلد اول، ص ۳۹۷-۴۱۵ سال ۱۳۷۳. انتشارات مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران.
- ۱۵- دکتر طاهری عراقی و گروه ادیان و عرفان دانشکده الهیات و معارف اسلامی، مجله تحقیقات اسلامی، نشریه بنیاد دائرةالمعارف اسلامی یاد نامه دکتر احمد طاهری عراقی سال ششم، ش ۱-۲ سال ۱۳۷۰ ص ۳۹-۴۹.
- ۱۶- ابن حبان بستی، تحصیلات، سفرها، آثار علمی و تحقیقات اسلامی، نشریه بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، سال دهم ش ۱-۲ سال ۱۳۷۴، یادنامه دکتر عباس زریاب خوبی، ص ۵۷-۶۹.
- ۱۷- پیشینه مشارکت ایرانیان در ایجاد و اداره نهادهای آموزشی، میراث جاویدان (وقف) فصلنامه فرهنگی، تحقیقی و... ص ۴، ش ۱، بهار ۱۳۷۵ شماره مسلسل ۱۳،

ص ۱۲۴-۱۳۴.

۱۸- فرائدالفوائد در میزان نقد، مسجد، دو ماهانه دینی، فرهنگی، اجتماعی، ص ۴، ش ۲۳ آذرودی ۱۳۷۴ ص ۹۲-۹۶.

۱۹- ترجمه مقدمه دکتر ابراهیم دسوقی شتا بر کتاب «ابر زمانه و ابرزلف» از اسلامی ندوشن، انتشارات یزدان ۱۳۷۳ ش ص ۱۶۳ - ۱۷۴.

۲۰- آموزشها و نهادهای آموزشی در روزگار فردوسی، مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت فردوسی، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۴، ص ۱۰۷۹-۱۰۹۲، فصلنامه هستی، پائیز ۷۴ ص ۷۵-۸۶.

۲۱- نیشابور در عصر عطار، سایه در خورشید، مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت عطار نیشابوری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۵ ص ۱۱۱-۱۲۱.

۲۲- هرات از طاهریان تا تیموریان، مقالات و بررسیها، نشریه دانشکده الهیات، ش ۶۰-۵۹ سال ۱۳۷۵، ص ۸۵-۱۰۲.

۲۳- سید جمال الدین اسد آبادی و جامع الازهر مصر، تاریخ و فرهنگ معاصر، ص ۵، ش ۳-۴ سال ۱۳۷۵، ص ۵۵-۷۵.

۲۴- سید جمال الدین اسد آبادی، سفرها و ره آوردها
۲۵- خوراک و پوشاک در آسیای میانه، فرهنگ، فصلنامه علمی، پژوهشی، ویژه تاریخ، س ۹ ش ۳، مسلسل ۱۹، سال ۱۳۷۵، ص ۱۴۵-۱۰۳.

History of civilizations of central Asia

Volume Tv. Unesco 1998. Food and clothing in eastern Iran and central

Asia. 381-387.

۲۶- سرگذشت دانشمندان و مراکز دانش در حمله مغول، نامه پژوهش، سال اول ص ۴ بهار ۱۳۷۵ ص ۲۸۹-۳۲۳.

۲۷- اصفهان در روزگار آل بویه و سلجوقیان، نشریه علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان ش ۹ بهار ۱۳۷۶، ص ۱۷۶-۲۰۴.

۲۸- از جندیشاپور تا دانشگاه تهران (در دفاع از دانشگاه و دانشگاهیان)، روزنامه اطلاعات چهارشنبه ۷ آبان ۱۳۷۶.

- ۲۹- گزارش یاقوت حموی از کتابخانه‌های مرو، ارج نامه ایرج (یادنامه ایرج افشار) انتشارات طوس، تهران ۱۳۷۷ ج ۲ ص ۴۱۵-۴۲۵.
- ۳۰- جمال‌الدین اصفهانی وزیر نیکوکار عصر سلجوقی، میراث جاویدان، ۱۳۷۶ ش ۱۹-۲۰ ص ۵۶-۶۴.
- ۳۱- مدارس قدیم تهران در عصر قاجار، نامه فرهنگ سال ۸ ش ۲ مسلسل ۳۰، تابستان ۱۳۷۷ ص ۱۱۴-۱۴۰.
- ۳۲- ترجمه و تأثیر آن در تجلی فرهنگ و تهران اسلامی، آئینه پژوهش، س ۹ ش ۵ ۱۳۷۷- ص ۱۹۲-۲۱۴.
- ۳۳- جغرافیادانان جهانگرد و نقش آنان در بالندگی فرهنگ و تمدن اسلامی، ایران شناخت، ۱۳۷۷، ص ۱۹۲-۲۱۴.
- ۳۴- سیره سامانیان در بزرگداشت دانشمندان، نامه آل سامان، مجموعه مقالات مجمع علمی تمدن و تاریخ و فرهنگ سامانیان، وزارت ارشاد ۱۳۷۸ ص ۴۹۱-۵۰۵.
- ۳۵- وقف در خدمات نهادهای علمی آموزشی، میراث جاویدان، ۱۳۷۸ ش ۲۷ ص ۴۴-۵۰.
- ۳۶- تحصیلات سعدی در بغداد و نظامیه بغداد، سعدی نامه جلد دوم، انتشارات فارس شناسی، زمستان ۱۳۷۸.
- ۳۷- تاریخچه آموزش‌ها و نهادهای آموزشی فلسفی در ایران و اسلام، تاریخ علم در اسلام و نقش دانشمندان ایرانی، مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی ۱۳۷۸ ص ۱۰۱-۱۵۷، روزنامه اطلاعات در ۹ شماره مسلسل مرداد ماه ۱۳۷۹.
- ۳۸- دانشگاه و مسائل رفاهی استاد و دانشجو، جامعه ۲۳، ۲۴، ۲۶ خرداد ۱۳۷۷ در سه شماره مسلسل.
- ۳۹- دانشکده الهیات عرصه مفاهمه یا منازعه (پاسخ انتقادی به مصاحبه آیت الله مصباح یزدی) ایران، ۱۸ آذر ۱۳۷۷.
- ۴۰- استاد حسینعلی راشد و گروه فلسفه دانشکده الهیات، اطلاعات ۲۳ دی ۱۳۷۷.
- ۴۱- اختیارات رئیس جمهوری و انتظارات مردمی، صبح امروز ۲۱ اردیبهشت ۱۳۷۸.

۴۲- فرهنگ سازان و فرهنگ ستیزان (به انگیزهٔ چهلمین روز در گذشت استاد دکتر زرین کوب) صبح امروز ۱۱ آبان ۱۳۷۸.

۴۳- اسماعیلیه از دعوت تا خشونت، صبح امروز شنبه و یکشنبه ۲ و ۳ بهمن ۱۳۷۸.

۴۴- نگرشی تاریخی بر رفتار ایرانیان در کثرت گرایی دینی و مذهبی (مقاله ارائه شده در کنفرانس اسلام و مسیحیت ایتالیا، واتیکان، فوریه ۲۰۰۰ میلادی، اطلاعات ۱۸-۱۹ اسفند ۷۸.

۴۵- این عاشورا را عاشورایی دگر باید. صبح امروز ۲۵ فروردین ۱۳۷۹.

۵. حدود ۷۰ مقاله مفصل، متوسط و کوتاه که نیمی از آن در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (ج ۱-۹) و بنیاد دائرةالمعارف اسلامی (ج ۱-۴) به چاپ رسیده و بقیه زیر چاپ است.

۷. مقاله مفصل در تاریخ آموزش و پرورش ایران، آمادهٔ چاپ در مرکز مطالعات فرهنگی و بین‌المللی، دائرةالمعارف ترک، تاریخ زندگی پیامبر (آموزش و پرورش در عصر رسول الله)، آداب، آئین آموزش‌های رایج در خطهٔ کرمان از آغاز دورهٔ اسلامی تا حملهٔ مغول، بندر باستانی سیراف و دولتخانهٔ کیش، نخستین درس استاد در نظامیه بغداد، قلمرو سامانیان خاستگاه نخستین مدارس در جهان اسلام.

ز. عضویت علمی و تحقیقاتی، در بنیاد دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، سازمان علمی فرهنگی یونسکو، سازمان انتشارات کتب علوم انسانی و دانشگاهی (سمت)....

ح. شرکت در بیش از ۴۰ سمینار، کنگره و همایش علمی بین‌المللی داخلی با ایراد مقاله و سخنرانی.

ط. شرکت در کنگره‌های بین‌المللی خارجی در کشورهای مصر، سوریه، لبنان، تاجیکستان و ایتالیا، به ترتیب در تیرماه ۱۳۷۷، شهریورماه ۱۳۷۸، بهمن ۱۳۷۸، مهرماه ۷۹، با ایراد سخنرانی و ارائه مقاله که قبلاً گزارش شده و مدارک آن در معاونت پژوهشی موجود است.

۱. مقالات مندرج در روزنامه‌ها گزارش‌هایی است علمی و تحقیقی در زمینه تاریخ نهادهای علمی آموزشی و در باب اثبات لزوم آزادی فکری و استقلال شغلی دانشگاهیان.